

در زمان غایت صغری، چهارتن از بزرگان شریف و کمال و سفیران خاص امام زمان علیه السلام بودند که خدمت آن حضرت می‌رسیدند و وکالتشان به خصوص مورد تأکید بود، و پاسخ‌های امام در حاشیه نامه‌های سؤالی، توسط آنان بدست مردم می‌رسید. البته در این چهار نفر، وکلای دیگری هم از طرف امام علیه السلام در بلاد مختلف بودند که ابوسلمه هم از چهار نفر امور مردم را به عرض امام زمان علیه السلام می‌رساندند و از سوی امام در مورد آنان توقع‌هایی صادر شده بود، و اینها به گفته مرحوم آیت‌الله سید محسن امین، سفارت‌های چهار نفر سفارت مطلق و عام بوده ولی دیگران در موارد خاصی سفارت داشتند، از قبیل «ابوالحسن بن محمد بن جعفر اسدی» و «احمد بن اسحاق اشعری» و «ابراهیم بن محمد همدانی» و «احمد بن حمزه بن اسحاق»

نواب اربعه به ترتیب عبارتند از:

- جناب ابو عمرو عثمان بن سعید عمری (به فتح عین و سکون هاء) (ع)

- جناب ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری.

- جناب ابوالقاسم حسن بن روح نوبختی.

- جناب ابوالحسن علی بن محمد سمیری (بفتح سین و هاء) (ع)

بهر صورت با پایان گرفتن دوران «غایت صغری» دوران «غایت کبری» آغاز شد و هنوز ادامه دارد؛ در زمان غایت صغری مردمی می‌توانستند پاسخ مسائل خود را از امام توسط نواب خاص دریافت دارند، ولی در این زمان این کار ممکن نیست، و مردم با مسائل خود را به نواب عام آن بزرگوار عرضه کنند و پاسخ مسائل را از آنان بگیرند، زیرا نظر آنان به حکم تخصصی که دارند و نیز به حکم روااتی که وارد شده حجت است.

«مرحوم کشی» می‌نویسد توقیعی از ناحیه امام (ع) صادر شد که در آن فرموده‌اند: عذر و بهانه‌ای برای هر چه یک از دوستان ما در تشکیک نسبت به آنچه ثقات ما از ما نقل می‌کنند نیست، دانستند که ما سر خود را به آنها واگذار کردیم و به آنان دادیم.

و نیز «شایخ طوسی» و «مرحوم شیخ صدوق» و «شایخ طبرسی» از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که گفت: مولای ما حضرت مهدی علیه السلام (در مورد وظایف شریف در زمان غایت) فرموده است: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیکم»

در حوادث و پدیده‌هایی که واقع می‌شود به روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان می‌باشم.

مرحوم طبرسی نیز در کتاب «احتیاج» از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که ضمن حدیثی فرموده‌اند: «و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطاعاً لامر مولاه فللعوام ان قلدوه»

هر یک از فقهاء که مراقب نفسش و نگهبان دینش، و مخالف هوی و هوسش، و مطیع فرمان مولایش (یعنی ائمه علیه السلام) باشد بر عوام لازم است که از او تقلید کنند.

بدین ترتیب امور مسلمین در زمان غایت کبری به دست ولی فقیه قرار گرفت که با نظر او با انجام و جریان ابدی، گرچه منصب فتوی و قضاوت و حکم برای فقهاء از پیش توسط ائمه معصومین جعل شده بود ولی رسمیت مرجعیت و زعامت فقهاء اسلام از این تاریخ پدید آمد و تا ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت